

اروپا درگیر با بحران بیکاری و کمبود متخصص!

روبه‌رو است بلکه بخش‌های دیگر فعالیت‌های اقتصادی نیز با این کمبودها دست به گریبان هستند، تنها در فرانسه پنجاه هزار شغل در بخش ساختمان خالی است و بیست هزار شغل نیز در حمل و نقل و رانندگی کامیون متقاضی ندارد. اروپا از نداشتن حسابدار متخصص جوشکار و ماشین‌کار ماهر رنج می‌برد، در حالی که اکثر کسانی که در

این مشاغل مشغول به کار هستند بیشتر و به‌طور سنتی ارائه‌دهنده خدمات غیر تخصصی هستند. اروپا امروز به این گروه‌ها نیاز ندارد بلکه محتاج کسانی است که ضمن داشتن مهارت‌های تکنولوژیک

و رشد نیرومند اقتصاد اروپا در گروهی فرصت‌های طلایی برای ایجاد اصلاحات در این عوامل است. «رومانوپرودی» رییس کمیسیون اروپایی می‌گوید: «ما عاجلاً و همین حالا باید اقدام کنیم، زیرا مشکلاتی که رو در رویمان قرار دارند صبر نخواهند کرد و به سوی مراحل مشکل‌تر حرکت خواهند کرد.»



گروهی از بیکاران آلمانی در تظاهراتی آرام، تقاضای کار دارند...

بتواند به زبان مشتریان سخن بگوید. آموزش‌های دانشگاهی به سطحی از ناکارایی سقوط کرده که قادر نیست پاسخگوی تخصص‌های عالی مثلاً در زمینه‌های مهندسی شیمی و مهندسی متالورژی باشد. نتیجه این نقصان‌ها سرعت گرفتن فروریزی بازار کار و حضور میلیون‌ها کارگر غیرماهر در جامعه است که بار سنگینی است بر اقتصاد یکایک کشورهای اروپایی. از سویی، کسانی که موفق می‌شوند خود را به سطح تکنولوژی روز برسانند بلافاصله وارد بازار کاری می‌شوند که دستمزدهایی بسیار بالا دارد و در مدتی کوتاه آنها را ثروتمند می‌سازد. «مرسدس سوابه شتوشین» از کارشناسان انجمن اشتغال در پاریس می‌گوید: «فعالیت اقتصادی درک می‌کند که کارکنان حوزه‌اش چقدر

نابسامانی‌های مربوط به اشتغال هرازگاه اروپا را در هم می‌کوبد، کشورهای عضو اتحادیه اروپا هرگاه اوضاع را وخیم می‌بینند میلیاردها دلار برای اشتغال و رفاه خرج می‌کنند ولی بلافاصله متوجه می‌شوند که هنوز از جامعه اطلاعاتی کشورهای خود عقب هستند. در یک کنفرانس عالی رهبران اروپا که اخیراً در لیسبون تشکیل شد گزارش داده شد که تا سال ۲۰۰۳ اروپا به یک میلیون و هفتصد هزار شغل تخصصی در زمینه ارتباطات نیاز خواهد داشت، اما ظرفیت تکنولوژیک اروپا برای تأمین نیروی انسانی برای این مشاغل ۲۵ درصد رقم فوق است. در همین گزارش آمده است که آمریکایی‌ها موفق به تأمین نیروی انسانی خود برای مشاغل تخصصی مشابه شده‌اند. تنها بخش ارتباطات نیست که با این کمبود

از آغاز عصر بخار، جنبش کارگری اروپا در روز اول ماه مه پرچم‌های سرخ را برافراشته است و در تظاهراتی سنتی قدرت‌نمایی کرده است. اما امروز شعارهای معمول این جنبش برای همبستگی کارگری و افزایش دستمزد، دیگر رنگ و بوی گذشته را ندارد. عصر ارتباطات همه معادلات کارل مارکس را به هم ریخته است.

امروز اروپا با ۱۵ میلیون بیکار رسمی ثبت شده در دفاتر اتحادیه اروپا روبه‌رو است و از سوی دیگر میلیون‌ها شغل به دلیل فقدان تخصص‌های لازم در میان متقاضیان خالی مانده است. در آستانه قرن بیست و یکم دیگر اثری از تئوری‌های کارل مارکس و کاربرد آنها در نهضت‌های کارگری دیده نمی‌شود، بلکه جهان کارگری تشنه مشاغلی است که به دست آوردنشان کاری است نه چندان آسان.

جهان صنعت به جایی رسیده است که تمهیدات تکنولوژیک قادر به پر کردن فضاهای خالی آن نیست. ظرفیت حافظه پولک‌های کامپیوتری (چیپ‌ها) هر هیجده ماه یکبار دو برابر می‌شود که هیچ قاعده‌ای برای تطبیق آن با مسایل کارگری شناخته نشده است، نه در اروپا و نه در هیچ کجای دیگر جهان.

بیشترین کارشناسان اعتقاد دارند مشکلات کارگری و مشاغل در میان سیستم‌های کهنه آموزشی، مالیات‌های بالا بر دستمزدها و موانع تجهیز صنایع زمین‌گیر شده‌اند. تعداد بی‌شمار بیکاران که اکثراً نیمی از سال را بیکارند تنها بخشی از داستان است، «آنها دیامانتوبولو» کمیسیونر اشتغال در اتحادیه اروپا می‌گوید: «عده کسانی که باید در اروپا کار کنند دو برابر مشاغلی است که در حال حاضر قدرت ایجاد آنها وجود دارد. رهبران اروپایی مدت‌ها است درصددند تا نیازهای حیاتی جوامع خود و عناصر بالقوه آن را برای ایجاد مشاغل جدید شناسایی کنند. آنها در همه این تلاش‌ها به نتایجی ناخوشایند دست می‌یابند که عمده آنها عبارت است از: برقراری آموزش برای تمام عمر نیروی کار، کاهش مالیات سرانه کار و ایجاد مشاغل جدید برای خیل بیکاران. سلامت مالی

می‌دانند، در یک اقتصاد متحرک، همواره ابتکار عمل در دست کارکنان متخصص است.»

کارفرمایان شرکت‌های کوچک بیشتر با این مشکل روبه‌رو هستند، «ژان لاتور» رییس یک شرکت نرم‌افزاری در بلژیک با لحنی دردناک می‌گوید: «ما به کارکنان جدید باید مبلغی را بپردازیم که ارزش آن را ندارند، آنهایی که آخر از همه می‌آیند می‌خواهند زودتر از همه بار خود را ببندند، ما بدون آن که آمادگی داشته باشیم به سوی شیوه‌های آمریکایی پیش می‌رویم.» اشاره او به شرکت‌های بزرگ آمریکایی است که با دادن دستمزدهای بالا به کارکنان خود عملاً کوچکترها را از دور رقابت خارج می‌کنند. او اضافه می‌کند: «امسار اروپا شرکت‌های بزرگ نیز از این روش لطمه می‌بینند، زیرا آنها نیز به تدریج از داشتن نیروهای ماهر محروم خواهند شد.» نرخ بیکاری در بلژیک ۱۷/۵ درصد است.

ضعف‌های سیستم آموزشی

به رغم دست به کار شدن مقامات آموزش کشورهای اروپایی و ارائه دوره‌هایی که تا حدودی می‌تواند پاسخگوی تکنولوژی روز باشد، افق سرازیر شدن کافی نیروی کار ماهر به بازار کار چندان روشن نیست و بنابراین خطر مجیز نشدن صنایع فرسوده امروزی به تکنولوژی روز همچنان وجود دارد. اندرو پارکر یک تحلیلگر از مؤسسه تحقیقاتی فورستر در آمستردام که اخیراً یک بررسی را بر روی مقامات بالای صنعت ارتباطات اروپا به عمل آورده، گفته است که نود درصد از این مقامات گفته‌اند کمبود نیروی کار ماهر می‌تواند تأثیر ناگواری بر حیطه کار آنها بگذارد.

در حوزه‌های آموزشی اروپا هجوم به سوی رشته‌های تحصیلی ارتباطات خوب است ولی کافی نیست، با این حال کمیت و کیفیت تحصیلات نتوانسته است خود را با پیشرفت تکنولوژی و نیاز بازار به نیروی کار ماهر تطبیق دهد. سالانه دو هزار دانشجو از دانشگاه‌های بلژیک در رشته کامپیوتر فارغ‌التحصیل می‌شوند، در حالی که نیاز بازار شش هزار نفر است. دانشگاه‌های آلمان ظرفیت پذیرش دانشجو در رشته ارتباطات از سیزده هزار نفر در دو سال قبل را به چهل هزار نفر افزایش داده‌اند، با این همه به گفته مقامات آموزش آلمان، این عده نیز پاسخگوی نیازهای بازار نیستند. از این گذشته، هجوم داوطلبان به رشته‌های مربوط به ارتباطات،

حوزه‌های دیگر علمی را با کمبودهای سخت روبه‌رو ساخته است. اوریخ هیلمن از مؤسسه پژوهشی وستفالی آلمان می‌گوید: «امروزه نحوه تدریس در دانشگاه‌ها بسیار با گذشته متفاوت شده است، شما استادان زیادی را می‌بینید که در سالن‌های بزرگ تدریس که از دانشجو خالی است موضوعاتی را تدریس می‌کنند که کسی برای آنها اهمیتی قایل نیست در حالی که کلاس‌های تکنولوژی ارتباطات بیش از ظرفیت خود دانشجو جلب کرده است.» او از مقامات آموزش آلمان می‌خواهد که دانشگاه‌های آلمان را در مقابل رقابت‌های بازار و حوزه‌های اشتغال مسئول‌تر سازند.

«هان شاپیرو» یک کارشناس علوم ارتباطات در انستیتو تکنولوژی دانمارک می‌گوید اروپا نیاز به تحولات زیربنایی در مفاهیم آموزشی خود دارد، ما باید انحصارهای آموزشی را از میان برداریم و به سوی سیستمی که بیش از پیش به آن نیاز احساس می‌شود حرکت کنیم. او معتقد است که آموزش‌های کنونی با واقعیت‌های بازار فاصله‌ای زیاد دارند و بنابراین مشارکت این دو در نزدیک‌تر کردن روش‌های آموزش به یکدیگر می‌تواند فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها را با نیازهای تخصصی بازار و مهارت‌های مورد قبول صنایع بیشتر آشنا کند، اما چنین روشی نباید روندی ثابت در فضای صنایع داشته باشد تا موجب شود صنایع با تحرکی کم از تکنولوژی روز عقب بمانند. «شاپیرو» معتقد است برای رسیدن به این هدف یک نیروی کار باید تمایل خود را به یادگیری و آموزش برای تمام عمر حفظ کند و اگر چنین نکند به زودی از سیستم خارج و به خیل بیکاران خواهد پیوست.

اصلاحات معمولاً روندی کند دارد، حتی اگر در آلمان، که صاحب بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا است، باشد. «گرهارد شرودر» صدر اعظم آلمان پیشنهاد کرده است به منظور تأمین نیروی کار لازم برای یکصد و پنجاه هزار شغل تخصصی خالی در حوزه تکنولوژی ارتباطات، بیست هزار اجازه کار برای خارجی‌ان صادر شود ولی نه همه سیاستمداران آلمانی و نه اتحادیه‌های کارگری نیرومند آلمان، با این پیشنهاد موافق نیستند. «کلاوس زویکل» رییس اتحادیه فولادکاران آلمان که بزرگ‌ترین اتحادیه کارگری آلمان است ضمن مخالفت یا به کارگیری نیروی کار خارجی می‌گوید کمبود مهارت‌های لازم در صنایع ارتباطات بهانه‌ای شده است برای استفاده از نیروی ارزان کار خارجی تا جای سی و دو هزار متخصص آلمانی کامپیوتر را

که برای احراز این مشاغل ثبت‌نام کرده‌اند پر کنند. در حقیقت هیچ راه سریع و ارزانی برای به کارگیری عاجل بیکاران در اروپا وجود ندارد. برای مثال خانم «دورس نف»، ۴۸ ساله، یکی از دوازده بانویی است که برای یک دوره فشرده آموزش تکنولوژی ارتباطات در رشته منشی‌گری در شهر «چارلروی» بلژیک که نرخ بیکاری در آن بیست درصد است انتخاب شده است، او می‌گوید: «امروزه بی‌اطلاعی از کار با کامپیوتر مثل ندانستن رانندگی و یا کار با تلفن است: من برای مفید بودن برای جامعه و حفظ استقلال مالی خود حتماً باید طرز کار با کامپیوتر را بدانم». خانم نف و یازده همکار دیگرش باید برای انتخابشان از میان دویست داوطلب این شغل سپاسگذار باشند. هزینه این دوره هشت هزار دلار برای هر نفر است، ولی مسئولان دوره پیش‌بینی می‌کنند پس از پایان دوره، ارزش کار قبول شدگان فقط تا نود درصد سرمایه‌گذاری روی آنها را باز می‌گرداند. با این حال، این مثال نشان می‌دهد که روند تبدیل یک انسان به یک نیروی کار ماهر نه سریع است و نه ارزان و سرمایه و ممارست و زمان از نیازهای اولیه آن است.

اروپا تنها از خیل بیکاران رنج نمی‌برد، بلکه گرفتار کسانی نیز هست که به دنبال کار نمی‌روند، آمار کمیسیون اروپایی می‌گوید تنها ۶۱ درصد از بزرگسالان اروپایی کار می‌کنند که در مقایسه با رقم ۷۵ درصد در آمریکا، رقمی است بسیار پایین. بیشترین بخش این تفاوت مربوط به اشتغال زنان است، در اروپا تقریباً نیمی از زنان کار می‌کنند در حالی که تعداد زنان شاغل در آمریکا دو سوم بزرگسالان است.

قسمتی از این مشکل مربوط به قوانین است. مثلاً در فرانسه و بلژیک تا همین اواخر کار کردن زنان در نوبتکاری شب طبق قانونی مانده از قرن نوزدهم ممنوع بود ولی موانع فرهنگی نیز به ویژه در بخش جنوبی اروپا که بیشتر کشاورزی است حائز اهمیت است. در کشورهایی که از امتیازهای بیشتری در نگهداری کودکان برخوردارند تعداد زنان شاغل زیادتر است. با این حال تعداد زنان شاغل ملاکی برای بررسی مسأله اشتغال نیست، بلکه امروز تخصص‌ها و قدرت رقابت در بازارهای جهانی ضابطه‌ای است برای ارزیابی دامنه مشاغل.

مأخذ: مجله تایم - ۸ ماه مه ۲۰۰۰
برگردان از بخش ترجمه و گزارش»

